



۲۰۱۴/۰۱/۲۴



دوکتور صلاح الدین سعیدی

دو طرح مشخص برای دولرداری بهتر!

کشور ما افغانستان در مرحله بس حساس و شکنندگی قرار دارد. همسایه های طماع و دشمنان داخلی و خارجی برای مردم و کشور ما برنامه های بس خطرناک و مغرضانه ای را روی دست دارند. سرمایه گذاری ها و زمینه سازی های زیادی درین راستا عملی شده و در حال اجرا می باشند. مسلماً این نیرو ها و مراکز بوجود آمدن افغانستان مستقل، متکی به خود و قوی دیده نمی توانند و نخواهند گذاشت. برنامه های به جان هم انداختن مردم ما و دامن زدن به فتنه های منحط قومی و سمنی با تدابیر وسیع مختلف النوع شان همراه است و درین راستا تشویش های جدی را خلق کرده اند. دیده شده و میشود که عده ای از انترناسیونالیستان؟! دیروز با دید طبقاتی و کسانیکه خود از مانند یک مسلمان از اصل اخوت اسلامی سخن میراندند و به آن معتقد جلوه میکردند حال در پرتگاه شر و فساد به فتنه های منحط قومی و سمنی مصروف اند. این حالت حکم می کند که وطن خواهان و خیر خواهان کشور و مردم ما ادای رسالت نموده و نه گذارند تا مأموران دشمن ویا معذوران سبب فتنه و فساد در جامعه شده و فتنه های بیشتر قوت بگیرد و بلاخره نباید گذاشت تا برنامه های دشمنان وطن و مردم ما به موفقیت نایل شوند.

من درین ارتباط به دو موضوع مشخص تدبیر مشخص را با زمامداران امور و شما هموطنان در میان گذاشته و مطرح می کنم. می دانم که قبول طرح اولی برای بعضی از مسؤولین امور دولتی مشکل و در موارد بعضی غیر قابل قبول خواهد بود اما می شود که حد اقل مانند کودکس و شرایط اخلاقی اجرای وظیفه ای معین دولت پیشکش و در درین نورم های اخلاقی مأمورین دست اول دولت مانند نورم اخلاقی جا داده شود. طرح دوم که نیز ذیلاً ارایه خواهد شد به شناخت و فهم من کاملاً عملی بوده و تجربه شده و ضروری می باشد. مطمئن می باشم که روی دست گرفتن این دو تدبیر و راه حل به صورت جدی می تواند بر روند و انکشافات منفی موجود درین راستا قسماً مداوای خوب بوده و تأثیر بس عالی مثبت خواهد داشت.

بدون طول بیشتر کلام نوشته خویش را به جانب دو طرح تدبیری مورد نظر انکشاف داده ادامه می دهم که: میگویند و شواهد زیادی در ۱۲ سال گذشته و یا بیشتر از آن نشان می دهد و گویا این حقیقت است که در جابجا سازی کادر های دولتی بسیاری از معیار های دولرداری خوب و سیاسیت کدوری مودرن مراعات نشده و ارگانهای دولتی قبل از اینکه تابع قانون، نظام، منافع و مصالح کشور، مردم و امر صلح و خیر در نظر گرفته شود بیشتر روابط شخصی، فامیلی، قومی استخباراتی و با در نظر داشت منافع دیگران و مصالح و وفاداری شخصی زورمندان معیار اساسی کار بوده و صورت گرفته. لذا مأمور دولت قبل از اینکه وفادار به منافع ملی، وطن و قانون باشد در عمل و قابل فهم وفادار به کسی بوده که وی را به این سمت نصب کرده است. در صورت بسیار خوب منافع و مصالح کشور در مقام سوم و چارم قرار گرفته است.

در نتیجه این وضع و بخشی از عوامل دیگر ملت به حکومت و در مجموع بر دولت ایمان و عقیده ندارد و آنرا از خود ندانسته و بر آن سخت بی اعتماد می باشد. این حالت سبب گردیده که فاصله ها بین مردم و دولت ایجاد شده و مردم به ارگانهای عدلی و قضایی و دولتی اصلاً بی باور باشند.

این و دهها عامل خورد و بزرگ دیگر سبب شده که وضع را در موارد زیاد در پهلوی سطح پایین حاکمیت قانون بغرنج و سخت بحرانی و در مواردی به حالت مضمن غیر قابل علاج مبدل سازد. این حالت سبب شده که ارگانهای دولتی قوی و متکی بر مردم ایجاد نشوند و دولت در موارد زیادی ناتوان از طرح و عملی ساختن برنامه های خدمت به مردم و کشور باشد.

ضرورت است درین رابطه باید تدابیر زیادی گرفته شود و کار به جانب مثبت دوام داده شود. مسلم که پروسه شفاف انتخابات و انتخابات سرتاسری و تحت نظر قوانین خوب یکی از راه های توسل به کسب اراده مردم است. اما درین راستا بر علاوه دیگر دو موضوع مشخص می تواند برای بهتر شدن این وضع مساعدت خیر و مثبت کند.

این دو موضع و طرح عبارت اند از:

■ حکام دست اول که در پُست های بلند و اول دولتی محلی و مرکزی قرار دارند و یا قرار می گیرند در حین اجرای وظیفه نباید تخلص های قومی و سمتی داشته باشند. این حالت که شخص دست اول دارای تخلص قومی و سمتی باشد سبب شکاف، عدم اعتماد و تردید در صادق بودنش به عام ملت در برابر منافع قومی و سمتی جلوه نموده و خلل در دولتداری وی شده می تواند.

این حالت سبب شده که مردم با همان دید اول روحیه عدم اعتماد را نسبت به کارکن بلند رتبه دولتی داشته، مشتبه بوده و اعتماد ضعیف داشته باشند. به گمان اغلب و با دید اول اشخاص با چنین تخلص ها همان دید هایی را اذهان تازه نگه دارد که می گفتند و می گویند: که مارغلی وی مقرر دی شی او که د انتظار به لست کی دی و نیول شی. (عمداً نام محل را تغییر دادم). بیشتر گمان برین است که شخص با داشتن تخلص قومی و سمتی با اولویت دادن قوم و سمت خویش که حتی در تخلص آن تبارز کرده، خواهد پرداخت. لذا پیشنهاد می شود که کارمندان ارشد و دست اول دولتی حین تقرر در پُست های دست اول دولتی سرتاسری و یا محلی از استعمال تخلص های قومی و سمتی بپرهیزند. بعد از ختم وظیفه این اختیار خود شان خواهد بود که تخلص قومی و سمتی خویش را بکار می برند و یا خیر؟

درین محاسبات مانند تمام تحلیل ها در علوم اجتماعی قواعد، فورمول ها و نتیجه گیری های حتمی نیست صد فیصد در همه موارد قابل تطبیق باشد و در همه موارد قابل تطبیق هم نیست اما خلل واضح و طعن واضح در مورد وجود دارد. دلیل اینکه تعلق به قوم حتمی نیست به نفع و یا ضرر قوم کار کند به صورت مشخص می توان زمان حاکمیت ۱۲ ساله اخیر در افغانستان را نام برد که بزرگترین جفا در حق یک قوم بزرگ این کشور در عرصه های مختلف صورت گرفت که در طول تاریخ این کشور به حق اش صورت نگرفته بود.

■ کارمندان ارگانهای دولتی مؤظف در ارگانهای امنیتی (پولیس، اردو، ارگانهای امنیت ملی)، استادان مکاتب باید عضویت کدام حزب و سازمان سیاسی را نداشته باشند. این کارمندان به مجرد گماشته شدن و آغاز کار درین ارگانهای امنیتی دولتی باید به صورت تحریری تعهد بدارند که در مدت اجرای کار درین سمت ها و درین ارگانهای امنیتی عضویت هیچ کدام حزب و سازمان سیاسی داخلی و یا مراجع ارگانهای سیاسی و دولتی خارجی را نخواهند داشت و ندارند.

اگر روابط عضویت در کدام حزب و سازمان داشته اند آنرا الی ختم وظیفه درین ارگانهای دولتی حداقل به حالت تعلیق قرار می دهند و یا داده اند.

پایان

Dr. Salahuddin Sayedi,
Email: strategicstudies@yahoo.com
Tel.: ۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ